

حقوق تجارت

در قانون تجارت ایران فصل مخصوصی از ماده ۵۸۳ تا ۵۸۷ در باب شخصیت حقوقی مندرج است .
قانون تجارت دو نوع شخصیت حقوقی را ذکر می نماید .

اول آنهایی که احتیاج به شناسائی مخصوص ندارند و بمحض اینکه مؤسسات مربوط بانها وجود داشته باشد قانوناً شناخته شده اند .

در این دسته درجه اول خود دولت است و بعد مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی و همچنین شرکتهای تجارتی دریم شخصیت هائی که باید در نتیجه ثبت شدن مؤسسات مربوط بانها در دفتر مخصوص شناخته شوند - و اینها عبارتند از تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیر تجارتي تشکیل میشوند .

وزارت عدلیه در دفتر مخصوص ثبت این مؤسسات را باید بر طبق نظامنامه مخصوص تهیه نماید پس کلیه شرکتهای تجارتی بر طبق ماده ۵۸۳ دارای شخصیت حقوقی هستند .

بدیهی است که برای محقق شدن شخصیت حقوقی باید شرکت بر طبق مقررات قانون تاسیس شود .

آثار شخصیت حقوقی

بر طبق ماده ۵۸۸ قانون تجارت « شخص حقوقی میتواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظائف ابروت - بنوت و امثال ذلك »
بنابر این شرکت تجارتی دارای تمام حقوقیکه

قانون تجارت برای تجار قائل است میباشد و هیچ بین موظف است بانجام تمام تکالیفی که برای تجار معین شده است یعنی شرکت تجارتی هم مثل افراد تجار باید دارای دفاتر منظم باشد و نام آن در دفتر ثبت مخصوص ثبت گردد و محاکماتی که داشته باشد تابع مقررات مخصوص محاکمات تجارتی بوده مانند افراد تجار ممکن است ورشکست شود و غیره

و از این رو شخصیت او بکلی از شخصیت شرکاء متمایز است یعنی :

۱ - شرکت دارای اسم مخصوص میشود که ممکن است غیر از اسم شرکاء باشد .

۲ - شرکت دارائی مخصوص خواهد داشت که از دارائی افراد شرکاء جدا است

۳ - بدهی و طلب شرکت مخصوص اوست طلبکارهای شرکاء نمیتوانند بین طلب خودشان از شرکاء و بدهی که بشرکت دارند تهاثر نمایند و همچنین طلبکارهای شرکت مادام که شرکت باقی است حق مراجعه بشرکاء را نخواهند داشت و گاهی اساساً این حق را پیدا نمیکنند (مانند شرکت سهامی)

۴ - ورشکستگی شرکت مستلزم ورشکستگی شرکاء نخواهد بود و ورشکستگی شرکاء نیز مستلزم ورشکستگی شرکت نمیشود

۵ - شرکت دارای اقامتگاه مخصوص است

۶ - شرکت دارای تابعیت مخصوص است که ممکن است با تابعیت شرکاء متفاوت باشد راجع بقسمت عمده مطالب فوق در ضمن مباحث آینده صحبت خواهد شد

در اینجا موضوع اقامتگاه و تابعیت شرکت را توضیح مینمائیم :

اقامتگاه شرکت و تابعیت آن

بر طبق ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی « اقامتگاه هر شخص عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد - اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است »

تعیین اقامتگاه دارای آثار مهم حقوقی است چنانکه در بعضی موارد تعیین تابعیت اشخاص از محل اقامت آنها میشود

حقوق سیاسی افراد در بعضی موارد فقط در اقامتگاه آنها قابل اجرا است مثل حق انتخاب کردن از نظر اصول محاکمات اقامتگاه اهمیت مخصوصی دارد زیرا تعیین صلاحیت شخصی محاکم از روی آن میشود و ابلاغهای قانونی را با اقامتگاه میکنند و غیره

شرکت نیز که دارای شخصیت حقوقی است باید اقامتگاه معین داشته باشد .

ولی اقامتگاه اشخاص حقوقی را قانون تجارت و قانون مدنی بطرز متغایر معین نموده اند

بر طبق قسمت اخیر ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود در صورتیکه ماده ۵۹۰ قانون تجارت میگوید « اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است » مرکز عملیات با اداره شخص حقوقی متفاوت است و برای

توضیح مطلب لازم است اختلافی که در این زمینه در حقوق فرانسه مورد بحث شده است یادآوری کنیم . در قانون فرانسه تکلیف اقامتگاه اشخاص حقوقی معین نشده و خواسته اند که بر طبق اصول کلی و از مبنای آن که قانون مدنی برای تشخیص اقامتگاه اشخاص بطور کلی بدست داده است استفاده کنند

قانون مدنی فرانسه در ماده ۱۰۳ گفته است که « اقامتگاه هر فرانسوی برای استفاده از حقوق مدنی محلی است که مرکز مهم امور او باشد » و چنانکه ملاحظه میشود مفاد همین ماده است که در ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی ما وارد شده

Siege d'exploitation در باب اقامتگاه شرکت این مرکز مهم را بعضی از علماء مرکز عملیات شرکت دانسته و بعضی محلی که اداره شرکت در آنجا است Siege sociale

طرفداران عقیده اول استناد باین میکنند که همانطور که قانون محل سکونت شخص را اهل ندانسته و در صورتیکه محل سکونت و مرکز مهم امور او متفاوت باشد مرکز امور او را ترجیح داده و اقامتگاه او میداند برای شرکت هم همین حال موجود است یعنی ممکن است که محل اداره او در یک نقطه باشد ولی عملیات او در نقطه دیگری صورت بگیرد و چون نظر قانون بمحلی بوده که منافع شخص در آنجا است در این مورد نیز چون منافع شخص حقوقی در محل مرکز عملیات آن است اقامتگاه آنرا باید در آنجا دانست .

طرفداران عقیده مخالف گفته اند که یک شرکت ممکن است در نقاط مختلف مشغول عملیات تجارتي باشد مثل یک شرکت حمل و نقل که ممکن است چند مرکز مهم داشته باشد که در آنجا وسائل نقلیه ارجع میشوند یا بارگیری میکنند و منطقی نیست که این مراکز را اقامتگاه شرکت بدانیم - البته شرکت میتواند در هر یک از این نقاط اقامتگاه انتخابی داشته باشد ولی اقامتگاه اصلی آن محلی است که اداره شرکت در آنجا است یعنی هیئت مدیره اش در آنجا است و مجامع عمومی شرکت در آنجا تشکیل میگردد .

و تصمیمات عده اداری در آنجا اتخاذ میشود میگویند این نظر کار مراعات محاکماتی را بشرکت تسهیل میکند و بلاوجه تابعیت شرکت را نیز بطرز صحیحی معین میکند .

رویه قضایی فرانسه این طریق اخیر را اختیار کرده

و اقامتگاه شرکت را محل اداره آن میدانند اکنون بر گردیم بقانون مدنی و قانون تجارت ایران.

چنانکه ملاحظه میشود قانون تجارت محل اداره و قانون مدنی مرکز عملیات را اقامتگاه میدانند با سابقه که راجع بحقوق فرانسه گفتیم و با اینکه میدانیم مقننین ما بان نظر داشته اند میتوان این دو عنوان یعنی (مرکز عملیات) و (محل اداره) را یکی دانسته و با استدلالی که در حقوق فرانسه شده است مقوسل شویم.

بنظر میاید که مقننین ایران در قانون تجارت نظر دوم را اختیار کرده و اداره شرکت را مهم دانسته اقامتگاه را در آنجا دانسته اند.

در قانون مدنی نظر خود را تغییر داده و مرکز عملیات را اقامتگاه دانسته اند و دلائل ذیل این نظر را تقویت میکند.

۱ - قانون تجارت در سال ۱۳۱۱ بتصویب رسیده است در صورتیکه کتاب چهارم قانون مدنی در ۲۷ بهمن ماه ۱۳۱۳ تصویب شده است و طبیعتاً است که قانون مؤخر قانون مقدم را در صورتیکه با آن معارض باشد نسخ مینماید.

۲ - معارض بودن متن این دو قانون با سابقه که یاد آوری کردیم قابل تردید نیست.

۳ - یکی از دلائل عمده که رویه قضائی فرانسه و مقننین بعضی ممالک دیگر اروپا را وادار بقبول این نظر که اقامتگاه شخص حقوقی شرکت محل اداره آن میباشد آن است که اتباع دول شرکتهائی برای عملیات تجارتهای یا صنعتی تشکیل داده اند که مرکز اداره آنها در داخله بوده و عملیات آنها در کشورهای دیگر است که از حیث تجارت و صنعت عقب مانده اند بنابراین صلاح نمی بیند که محاکمات این شرکتهای در آن ممالک بشود و همچنین نمیخواهند که ابعیت این شرکتهای تابعیت دولتی بشود که محل عملیات آنها در آنجا است.

این دلیل برای ما کاملاً عکسش مفید است زیرا

ما هنوز شرکتهائی نداریم که در خارج از کشور ایران عملیاتی داشته باشند و بالعکس بسیاری شرکتهای وجود دارد که در خارج تشکیل شده و مرکز عملیات آنها در ایران است مانند شرکتهای آمریکائی که برای تجارت قالی وجود دارد و یا شرکتهای حمل و نقل و غیره با اضافه چون هنوز منابع زیادی برای صنعت و مخصوصاً صنایع استخراج معادن در کشور ما وجود دارد که ممکن است احتیاج سرمایه خارجی داشته باشد صلاح مادر این است که هر شرکتی را که مرکز مهم عملیاتی در ایران باشد اقامتگاه آنرا در ایران بدانیم تا افراد ایرانی که با آنها دعوائی دارند بسهوات بتوانند حقوق خود را استیفاء نمایند. و همچنین از نظر تابعیت چون بر طبق ماده ۵۹۱ قانون تجارت «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است» شرکتهائی که برای کار کردن در ایران تشکیل شده اند و لو آنکه اداره آنها در خارج باشد ایرانی بدانیم تا در اجراء قوانین خودمان در داخله کشور اشکالی تولید نشود.

۴ - در فاصله تاریخ دو قانون مذکور وضع اقتصادی ایران تغییرات زیاد کرده و سال ۱۳۱۳ دوره بود که روز بروز شرکت های جدید در اثر ممانعت های گمرکی در ایران تشکیل میشد و احتمال گامی میرفت که سرمایه دارهای خارجی برای استفاده از این وضعیت در کشور خود شرکت تشکیل داده و در ایران مراکز عملیاتی دائر نمایند.

قرار داد شرکت

قرارداد شرکت عقدی است لازم که بین شرکاء بر طبق ماده ۲۱۹ قانون مدنی لازم الاتباع است و چون بر طبق مقررات قوانین تجاری ثبت و اعلام شود نسبت با اشخاص ثالث نیز سندیت خواهد داشت.

عقد شرکت مانند سایر عقود تابع مقررات کلی حقوق مدنی و حقوق تجارت بوده و برای صورت آن قوانین تجارتهای مخصوص وضع کرده اند.

شرایط اساسی

شرایط اساسی صحت عقد شرکت مانند سایر عقود عبارت است از:

- ۱ - قصد امضاء کنندگان و رضای آنها .
- ب - اهلیت آنها .
- ج - موضوع معین مشروع .
- د - مشروعیت جهت معامله .
- ه - مطابق مقررات قانون ثبت شود .

۲ - قصد اشخاص که شرکت تشکیل میدهند بر سیله نوشتن قرارداد و یا اساسنامه شرکت در ابتداء و قبول اساسنامه موجود برای آنهاست که بعد میبایند محقق میشود .

شرکت به معنی اخص و بخصوص شرکت تجاری قهری صورت پذیر نیست و باینجهت اشکال زیادی در اثبات قصد انشاء اشخاص جزء شرکت پیدا نمیشود .

انتباه و یا اگر ابر طبق مقررات قانون مدنی موجب بطلان عقد است .

۳ - اشخاصیکه شرکتی تأسیس مینمایند باید در اهلیت معامله داشته باشند یعنی بالغ و عاقل ورشید باشند .

۴ - امضاء اشخاص غیر بالغ یا غیر رشید یا غیر عاقل و همچنین امضاء شخصیکه مجبور شده باشد نافذ نیست . البته در این مورد نیز اهلیت شرکاء در هنگام تأسیس زیادهنگام الحاق آنها بقرار داد موجود در نظر گرفته میشود .

۵ - در شرکت های سهامی مخصوص در موردی که سهم بی نام است باید گفت که شرط اهلیت در معامله که راجع به سهام میشود باید محقق شود ولی چون مقررات مخصوصی باین اسناد منقول قرار داده است عدم صحت هر یک از این معاملات صدمه باصل قرارداد شرکت وارد نمیآورد .

۶ - موضوع شرکت باید معین باشد یعنی معلوم باشد که غرض از اجتماع عده و آوردن حصه ها چیست . البته لازم نیست که معین شود که شرکت چه میخواهد بخرد یا چه میخواهد بفروشد و یا چه عمل تجاری به خصوص میخواندند و بر طبق ماده ۲۱۶ قانون مدنی باندازه که علم اجمالی بان موضوع حاصل شود کافی

خواهد بود چنانکه ممکن است شرکتی برای صادر کردن اتمه ایران تشکیل شود و بعد چند نوع از اجناس را معامله کند .

باضافه موضوع شرکت باید متضمن منفعت عقلانی و مشروع باشد بنا براین شرکت برای خرید و فروش جنسی که وجود ندارد یا در تجارت نیست مثل هوای آزاد کاری است که منفعت عقلانی ندارد

و همچنین این موضوع عقلانی باید مشروع باشد و همچنین این موضوع عقلانی باید مشروع باشد

تشکیل شرکت برای معاملات ممنوعه باطل است .

د - باید جهت عقد شرکت نیز مشروع باشد و الا باطل خواهد بود - جهت معامله عبارت از مقصود نهایی آن است جهت معامله یا موضوع آن تفاوت دارد ممکن است که موضوع مشروع باشد ولی جهت آن مشروع نباشد چنانکه ممکن است شرکتی برای خرید و فروش ادویه سمی یا اسلحه یا دنیا میت تشکیل شود (اگر قوانین داخلی مخصوصاً منع نکرده باشد) چون صرف خرید و فروش این اجناس نامشروع نیست موضوع شرکت مشروع است ولی هر یک از این موارد را نمیتوان به صرف خوب رسانید مثل معالجه امراض یا شکار و دفاع یا شکستن سنگ برای ایجاد سازی و غیره و نیز ممکن است برای مقاصد غیر مشروع بکار برد مانند مسموم کردن اشخاص یا قتل و غارت و یا انهدام ابنیه و ساختن بوم برای آدم کشی و غیره در اینصورت آخر یعنی در صورتی که معلوم باشد که منظور از تشکیل شرکت این است که این اجناس تهیه و با شخصیکه بمصرف بد میرسانند مخصوصاً بفروش برسد جهت شرکت غیر مشروع خواهد بود .

البته حکم بطلان عقد شرکت وقتی میتوان داد که در شرکت نامه جهت معامله معلوم شده و غیر مشروع بودن آن ظاهر باشد و الا اگر جهت معامله ذکر نشده باشد بر فرض آنکه بعد عمل شرکت بر آن باشد نمیتوان عقد شرکت را باطل دانست بلکه در آن موقع وضعیت مثل وضعیت شخصی است که اقدام بعمل غیر قانونی نماید و تابع مقررات قوانین مخصوص خواهد بود .